



Woman in Development and Politics

The Dual Experience of Women's Bread-Making a Study on the Lives of Female Heads of Households in Behshahr City

Reza Azamzadeh¹ | Soheila Alirezanejad²

1. PhD Candidate Department of Cultural Sociology, Faculty of Humanities, Science and Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: azamzadehr7@gmail.com

2. Corresponding Author, Professor of Sociology, Garmsar Branch Islamic Azad University, Garmsar, Iran. E-mail: soal802001@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received Received in revised form Accepted Published online</p> <p>Keywords: <i>Word, breadwinner</i> <i>Word, Head of the Household</i> <i>Word, loneliness</i> <i>Word, poverty</i></p>	<p>The purpose of this study is to investigate and comprehend the experiences of female heads of households in their capacity as breadwinners and the manner in which they fulfill this duty. The study's objectives were achieved through the application of grounded theory in this investigation. Data were gathered through semi-structured interviews with 33 female heads of households residing in the city of Behshahr. The data was open-coded, which led to the development of four main categories: 1) household leadership; 2) poverty among female heads of households; 3) loneliness of women in household management; and 4) earning income and breadwinning. After assuming the role of household head and provider, the results suggested that these women engaged in economic activities in two distinct ways: 1) home-based economic activities and 2) economic activities outside the home. They are categorized into two paradigmatic patterns: 1) self as an agent of change and 2) self as an individual in need of support. In the first paradigm, women regard their femininity as a source of strength that enables them to make changes in their lives and accomplish success. However, in the second paradigm, women are unable to achieve independence due to their lack of confidence and their perception of femininity, which impedes their ability to make changes in their lives without external assistance. The result of requesting assistance is frequently a sense of powerlessness and a dearth of economic and social capital. The findings reveal that several factors influence the way women fulfill their roles as female heads of households, including familial, social, cultural, and gender-related elements, as well as support from government institutions. However, the core category highlights the significance of women's understanding of their femininity. Therefore, it is imperative that government interventions and support be developed with this characteristic in mind.</p>

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

تجربه دوگانه نان آوری زنان؛ مطالعه‌ای بر زندگی زنان سرپرست خانوار شهرستان بهشهر^۱رضا اعظم‌زاده^۱ | سهیلا علیرضائزاد^۲ ✉

۱. دکتری گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: azamzadehr7@gmail.com
 ۲. نویسنده مسئول، استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. رایانامه: soal802001@gmail.com

اط لاع ت مق اله	چکیده
نوع مق اله: مقاله پژوه شی	هدف این پژوهش، شناخت و فهم تجربه زنان سرپرست خانوار از نقش نان‌آوری و چگونگی اجرای آن به‌عنوان سرپرست خانوار است. در این بررسی برای دستیابی به اهداف پژوهش از نظریه داده‌بنیاد استفاده شد و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۳۳ نفر از زنان سرپرست خانوار ساکن شهرستان بهشهر گردآوری شد. کدگذاری باز داده‌ها به ظهور چهار مقوله اصلی انجامید: ۱. سرپرستی خانوار؛ ۲. فقر زنان سرپرست؛ ۳. تنهایی زنان در اداره خانوار؛ و ۴. کسب درآمد و نان‌آوری. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که این زنان پس از پذیرش نقش سرپرستی و در نقش نان‌آور به دو شکل فعالیت‌های اقتصادی خود را انجام می‌دهند: ۱. فعالیت‌های اقتصادی از داخل خانه؛ ۲. فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه. آنان در دو الگوی پارادایمی قرار می‌گیرند: ۱. خود به‌مثابه عامل تغییر و ۲. خود به‌مثابه نیازمند حمایت. پارادایم اول درک زنان از زنانگی، توانایی تغییر در زندگی و موفقیت در اهداف است، اما زنان در پارادایم دوم از اعتمادبه‌نفس لازم برای استقلال برخوردار نیستند و درک آنان از زنانگی، مانع تلاش برای تغییر در زندگی بدون حمایت دیگران است. پیامد حمایت‌طلبی زنان، احساس فناشدن و نبود سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است. یافته‌ها نشان می‌دهد در چگونگی ایفای نقش زنان به‌عنوان زن سرپرست خانوار، عوامل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیت و حمایت نهادهای دولتی تأثیرگذار هستند، اما مقوله هسته نشان از اهمیت فهم زنان از زنانگی خود دارد. از این‌رو مداخله‌ها و حمایت‌های دولتی لازم است با توجه به این ویژگی انجام شود.
تار بخ دری افت: تار بخ بازن گری : تار بخ پذیر ش: تار بخ	

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.

انت
شار:

کلید
واژه
ها:
تنها
بی،
سرپ
رستی
خانوار
، فقر،
نارن آو
ری.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، تعداد خانواده‌های زن سرپرست رشد نسبتاً چشمگیری داشته و نقش نان‌آوری زنان در اداره خانواده‌ها افزایش یافته است، طبق گزارش سازمان ملل، در این دوران بیش از یک‌سوم سرپرستان خانوار را زنان تشکیل می‌دهند (Shiyani & Zare, 2020: 68). این زنان بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد، سرپرستی خانواده را برعهده دارند (Rabiei, 2017: 34). در کشور ما نیز تعداد خانواده‌های زن سرپرست افزایش یافته است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، بیش از ۲۴/۲ میلیون خانوار در ایران زندگی می‌کنند که ۱۲/۷ درصد آن‌ها را خانوارهای زن سرپرست تشکیل می‌دهند (Shalchi & Azimi, 2019: 69). مشاهدات ما حکایت از آن دارد که کسب درآمد مهم‌ترین دغدغه زنان سرپرست خانوار است. آنان برای ایفای نقش نان‌آوری و تأمین نیازهای اعضای خانوار در تکاپو هستند. این باور وجود دارد که برای مبارزه با فقر و ارتقای توانمندی این زنان، تحولات ساختاری از جمله خودتکایی بیشتری لازم است (Shalchi & Azimi, 2019: 69). بیشتر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند، اما حمایت اندک کمیته امداد پاسخگوی نیازهای مادی آنان نیست و ناگزیرند کار کنند. ظاهراً توانایی و امکانات آنان برای داشتن یک زندگی آبرومند و توأم با عزت و تأمین انتظاراتشان کافی نیست. طبق قوانین کمیته امداد، زنان سرپرست به دو شیوه می‌توانند از حمایت کمیته برخوردار شوند: ۱. حمایت نقدی و جنسی ماهیانه؛ ۲. دریافت وام برای ایجاد اشتغال و خودکفایی. بیشتر زنان سرپرست تمایل دارند از حمایت نقدی ماهیانه حدود ۱ میلیون تومان برای هر فرد عضو خانوار و بسته غذایی ماهیانه که اندکی از نیاز آنان را برآورده می‌کند، برخوردار شوند. اقلیتی از این زنان نیز تقاضای وام می‌کنند. در توانمندسازی فردی فاقد قدرت به قدرت دست می‌یابد؛ بنابراین در رابطه با فرایند توانمندی به‌مثابه دستاورد، موضعی که درمورد مفهوم قدرت اتخاذ می‌شود، مهم است (Kermani et al., 2012: 121). مشکلاتی مانند جنسیت، مادر بودن، نداشتن مهارت حرفه‌ای و دستمزد نابرابر با مردان از مسائل زنان سرپرست است. موقعیت این زنان در بازار کار به‌صورتی است که کمتر از مردان به درآمد لازم برای تأمین معاش دست می‌یابند و در مشاغل کم‌درآمدتر فعال هستند (Boolori & Alirezanejad, 2021: 142). این پژوهش در پی آن است که مشخص کند این زنان پس از به‌عهده‌گرفتن سرپرستی خانوار، چگونه کسب درآمد می‌کنند و از چه راه‌هایی نیازهای مادی خود را تأمین می‌کنند. پرسش اصلی پژوهش این است که زنانی که در نقش سرپرستی قرار می‌گیرند، فعالیت‌های اقتصادی خود را چگونه انجام می‌دهند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه تجربی

کرمانی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست» مؤثرترین عامل را بعدی از توانمندی اقتصادی دانستند که ناظر بر انگیزه پیشرفت، خودمختاری، برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی و درنهایت سلامت جسمی است. در این بررسی زنان مطلقه از سایر زنان سرپرست توانمندی بیشتری دارند. «نقش توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی» عنوان مقاله جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵) است. آنان توانمندسازی را با عواملی چون سن، میزان تحصیلات، شغل همسر و نوع کسب‌وکار دانستند و بر تأثیر کسب‌وکار تقویت توانمندی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوار تأکید کردند. در مقاله سلیمانی و راغفر (۱۳۹۵) با عنوان «توانمندسازی و فقرزدایی از زنان مطلقه و همسر فوت‌شده» بین میزان ارائه وام‌های کم‌بهره، طرح‌های خوداشتغالی، آموزش عمومی و کسب مهارت با فقرزدایی زنان رابطه معناداری وجود دارد. گودرزی (۱۳۹۹) در مقاله «تبیین جامعه‌شناختی کسب مهارت‌های حرفه‌ای و تأثیر آن بر اشتغال زنان سرپرست» نشان داد درصد کمی از زنان سرپرست دارای مهارت هستند. بیشتر آنان (۸۵/۵ درصد) بلاایلی متفاوت هیچ تمایلی به کسب مهارت و آموزش ندارند و در فعالیت‌هایی نظیر پرستاری (اعم از کودک و بزرگسال)، نظافت، منشی‌گری و کارهای کم‌دستمزد مشغول به کار هستند. قربانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «فرا تحلیل نیازها و اولویت‌های زندگی زنان سرپرست» مسئله اصلی این زنان را نداشتن شغل و درآمد کافی دانستند و اظهار کردند برخورداری از حمایت اجتماعی بر توانمندی زنان سرپرست تأثیرگذار است.

بررسی تسفاماریام^۱ (۲۰۰۷) با عنوان «معیشت و راهبردهای مقابله» بیانگر آن است که زنان سرپرست برای یافتن شغل، در موقعیت بسیار نامساعدتری از مردان قرار دارند و وضعیت اقتصادی زنان قبل از سرپرستی خانوار بهتر از وضعیت کنونی آنها بوده است. حسینی (۲۰۰۹) در مقاله «مشکلات زنان شاغل در کراچی» نشان داد ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی رایج در جامعه به‌ویژه مانع اشتغال زنان می‌شود. همچنین زنان به‌علت ضعف بنیة اقتصادی و فقر و فشار کاری مضاعف دچار خستگی مفرط و پیامدهای آن هستند. فردو و همکاران^۲ (۲۰۰۹) در مقاله «جنسیت، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی» دسترسی به آموزش و اعتبارات را از مهم‌ترین عوامل توانمندسازی زنان سرپرست دانستند. یافته‌های لیو و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در مقاله «زنان سرپرست و شرایط زندگی در امریکای لاتین» بیانگر آن بود که در بیشتر کشورها، زنان سرپرست صرف‌نظر از وضعیت اجتماعی در حال افزایش هستند، اما خانواده‌هایی که در رأس آن زنان قرار دارند، در شرایط مشابه کمتر از مردان در شرایط فقر قرار می‌گیرند و مدیریت خانوارهای زن سرپرست بهتر است. البته به‌جز زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کنند.

۲-۲. پیشینه نظری

۲-۲-۱. نظریه نقش اجتماعی

در تئوری نقش، نقش‌ها با موقعیت‌های اجتماعی مرتبط هستند. موقعیت اجتماعی هویتی را که مجموعه‌ای از افراد با آن شناخته می‌شوند، تعیین می‌کند. اصطلاحاتی از قبیل پزشک، معلم، سرایدار و... به مجموعه‌های شناخته‌شده افراد اشاره دارد که هر یک موقعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. پزشکان، معلمان و سرایدارها هر یک به طرز مشخصی رفتار می‌کنند؛ بنابراین هر موقعیت اجتماعی نقشی مشخص دارد. در حقیقت وقتی به نقش‌ها اشاره می‌کنیم، موقعیت‌های اجتماعی را در ذهن داریم (Biddle, 1965: 5). براساس تئوری نقش، انتظارات شامل نقش‌های مختلفی مثل منشی، پدر یا دوست است که افراد در زندگی روزانه ایفا می‌کنند و خاص موقعیت اجتماعی آنان است (Savadian, 2012: 38).

نقش اجتماعی رفتاری است که از فرد در پایگاه اجتماعی انتظار داریم. نقش‌های اجتماعی همان رفتارهای قابل مشاهده نیستند، بلکه انتظارات و عقیده مردم یک جامعه از آنچه به‌عنوان رفتار مناسب باید انجام گیرد، در ایفای نقش مؤثر است (Sazagara, 1998: 122). از نظر هربرت مید، نقش اجتماعی شامل رفتار، کردار یا کار و وظیفه‌ای است که شخص درون گروه به‌عهده می‌گیرد (Sazgara, 1998: 123). نقش را، هم به‌عنوانمی‌دهد و هم به‌عنوان پاسخی به انتظارات دیگران تعریف می‌کنند (Doust, 2008: 30).

۲-۲-۲. جنس و جنسیت

جنس پایگاهی انتسابی است؛ درحالی‌که جنسیت پایگاهی اکتسابی و آموختنی است. زمانی که از جنس فرد صحبت می‌شود، بدین معنا است که آیا او به‌لحاظ بیولوژیک زن است یا مرد، اما زمانی که از جنسیت وی صحبت می‌کنیم، منظور این است که زنانه رفتار می‌کند یا مردانه. تفاوت‌های جنسیتی در طول زمان و در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیچیده ساخته شده‌اند. جنس به‌عنوان امری «طبیعی» و جنسیت به‌عنوان «سازة اجتماعی» که زیربنای آن جنس است، معرفی شده‌اند (Ahmadnia, 2017: 34). درواقع جنسیت نمود ویژگی‌های مردان و زنان در مواجهه با زندگی اجتماعی و فرهنگ از طریق اجتماعی‌شدن است (Safiri, 2009: 18).

۲-۲-۳. جامعه تعیین‌کننده

جوامع در شکل‌گیری شخصیت افراد اعم از زن و مرد دخالت دارند و نقش‌های جنسیتی افراد را بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای خود تعیین می‌کنند. جامعه‌پذیری فرایندی است که در آن افراد یاد می‌گیرند بین آنچه جامعه به‌عنوان عرف می‌پذیرد، در مقابل رفتار

^۱. Tesfamariam

^۲. Fredo et al.

^۳. Chiu liu, Esteeve Albert, Trevino Racio

غیرقابل قبول تشخیص دهند. افراد باید به‌گونه‌ای عمل کنند که متناسب با نیازهای جامعه باشد. روند اجتماعی‌شدن برای آموزش نقش‌های جنسیتی تقریباً بلافاصله پس از تولد آغاز می‌شود. به دختران آموزش داده می‌شود رفتارهای بیانی (هیجان‌مدار) داشته باشند؛ درحالی‌که پسران رفتارهای ابزاری (هدف‌گرا) را یاد می‌گیرند (Wienclaw, 2016: 31).

۲-۲-۴. فقر زنان سرپرست خانوار

اصطلاح زنانه‌شدن فقر را اولین بار دایانا پیرس^۱ در سال ۱۹۷۸ مطرح کرد. زنانه‌شدن فقر پدیده‌ای است که بیانگر درصد نامتناسب زنان فقیر در جهان است (Fotros & Ghodsi, 2018: 188). ریچارد چمبرز در نظریه تله محرومیت می‌گوید: «فقر در حکم یک تله است که وقتی افراد گرفتار آن می‌شوند، به‌سختی می‌توانند از آن نجات یابند. فرد فقیر با یک یورش محرومیت در تله فقر گرفتار می‌شود» (Mousavi & Azaribani, 2017: 137). یکی از مهم‌ترین مسائلی که به آسیب‌های جدی روحی-روانی در زنان سرپرست منجر می‌شود، نداشتن شغل و درآمد مناسب برای گذران زندگی و در نتیجه نداشتن امنیت مادی و نگرانی از ناتوانی در تأمین حداقلی نیازهای ضروری خانواده است. مردان و زنان سرپرست هر دو با فقر مواجه می‌شوند؛ با این تفاوت که زنان فرصت‌ها و قابلیت‌های لازم را برای خروج از فقر ندارند.

به‌طور کلی عوامل مؤثر در زنانه‌شدن فقر را می‌توان با استفاده از عوامل اقتصادی و فرهنگی بیان کرد. مهم‌ترین عامل اقتصادی فقر زنان، کمبود درآمد است (Fotros & Ghodsi, 2018: 191)؛ زیرا در حال توسعه بیشتر در بخش غیررسمی کار می‌کنند و در بسیاری از موارد با انجام وظایفی مشابه با مردان دستمزد کمتری می‌گیرند یا در خانه بدون هیچ پرداختی کار می‌کنند. دسترسی زنان به منابع و تبدیل منابع پولی به موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی می‌شود. درآمد ابزاری مهم برای دستیابی به قابلیت‌ها است. از طرف دیگر افزایش قابلیت‌ها موجب افزایش توانایی و به تبع آن درآمد می‌شود. زمانی که زنان درآمد کمتری از مردان داشته باشند، از آموزش‌های اولیه و مراقبت‌های بهداشتی که سبب افزایش توانایی زنان در کسب درآمد می‌شود، محروم می‌شوند. محرومیت زنان نیز از یک نسل به نسل بعد انتقال می‌یابد و به زنانه‌شدن فقر مداوم می‌انجامد؛ زیرا زنان سرپرست قادر به حمایت مناسب از اعضای تحت سرپرستی خود نیستند. در نتیجه اعضای خانوارهای زن سرپرست، فقرایی هستند که در یک دایره بسته حرکت می‌کنند (Fotros & Ghodsi, 2018: 191). در واقع می‌توان گفت اقتصاد یکی از مهم‌ترین مسائلی است که زنان سرپرست در زندگی خود با آن مواجه هستند. این مسئله با افزایش تعداد افراد تحت تکفل سخت‌تر می‌شود. محدودیت شبکه روابط اجتماعی زنان و در نتیجه دسترسی محدود آنان به سرمایه اجتماعی به این شرایط دامن می‌زند (Momenizadeh, 2014: 116).

۲-۲-۵. توانمندسازی

توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی خود و شرایطی که بر آن حاکم است، آگاهی می‌یابند و برای تغییر شرایط به‌سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان یافته انجام می‌دهند (Arabkhani et al., 2017: 13). مال‌هاترا توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کند که به‌وسیله خودشان توانمند می‌شوند و اعتمادبه‌نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب و کنترل منابع دفاع می‌کنند (Hashemi, 2018: 42). توانمندی به معنای تفویض یا اعطای قدرت به کسی است که بتواند تغییر ایجاد کند (Torkamani, Ghasemi & Aqababae, 2018: 11). باور به تغییر در زندگی خود، انگیزه زیادی در زنان سرپرست به‌وجود می‌آورد تا توانمندی خود را به اثبات برسانند. آلسوپ و هینسون^۲ توانمندسازی را افزایش توانایی گروه یا فرد برای انتخاب مناسب می‌دانند و تأکید می‌کنند که این انتخاب باید به نتایج دلخواه منجر شود. فرایند توانمندسازی تحت تأثیر عاملیت و ساختار فرصت‌ها ایجاد می‌شود. عاملیت به معنای ظرفیت و توانایی کنشگر برای انتخابی معنادار از میان گزینه‌های گوناگون است و فرصت عبارت از زمینه و بستری رسمی و غیررسمی است که کنشگر درون آن دست به کنش می‌زند (Hashemi, 2018: 46).

^۱. Pearce & Diana

^۲. Alsop & Hinson

۳. روش‌شناسی پژوهش

برای دستیابی به اهداف پژوهش از روش تحقیق نظریه زمینه‌ای استفاده شد. اشتراوس و کوربین رهیافت نظریه زمینه‌ای را یک روش تحقیق کیفی می‌دانند که مجموعه منظمی از رویه‌ها را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقرا درمورد یک پدیده به کار می‌گیرد (Azkia & Imani Jajrami, 2011). برای انجام این مهم، ملاک اصلی زنان سرپرست خانواری بودند که تحت پوشش کمیته امداد قرار داشتند و با هماهنگی مسئولان معرفی شدند. طبق گفته مسئولان کمیته امداد شهرستان بهشهر ۸۰۰ زن تحت پوشش این سازمان هستند که در این پژوهش با ۳۳ نفر از این زنان که مایل به مشارکت در پژوهش بودند، مصاحبه شد. مشارکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و از گروه‌های مختلف به لحاظ سن، تحصیلات، خانواده، دلیل سرپرستی، مدت ازدواج و شیوه تأمین درآمد وارد پژوهش شدند. نمونه‌گیری با دستیابی به اشباع نظری متوقف شد. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته بود و برای حفظ محرمانگی از اسامی مستعار استفاده شد. کمترین مدت سرپرستی این زنان ۳ سال و بیشترین مدت ۱۹ سال بود. پس از شروع مصاحبه اول، کدگذاری و شناسایی مفاهیم برای کشف مقوله‌ها آغاز شد.

جدول ۱. مشخصات زنان سرپرست خانوار مشارکت‌کننده^۱

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل پدر	سن ازدواج	تعداد فرزندان	علت طلاق و تنهایی	دلیل سرپرستی	مهارت‌ها و شغل
۱	پاییز	۳۹	فوق لیسانس	کارمند	۲۱	-	خیانت همسر	طلاق	مربی فنی حرفه‌ای، لیدر تور، خلبان گلايدر، مربی اسلاوم
۲	متین	۴۰	دیپلم	کشاورز	۱۷	۲	فوت همسر	بیوگی	آشپزی، کشاورزی، فروشنده، کارگری
۳	فرحناز	۴۰	دبیرستان	راننده کامیون	۱۷	۲	خیانت همسر	طلاق	خیاطی، گلسازی، گلدوزی
۴	مارال	۴۱	دیپلم	کارمند	۱۵	۲	بیماری روحی همسر	طلاق	رانندگی، دفترداری، پرورش گل
۵	دنیا	۲۹	دیپلم	کارگر	۱۷	۱	خیانت همسر	طلاق	آرایشگری، فروشنده
۶	فاطمه	۳۰	حوزوی	کارگر	۱۷	۲	بیماری روحی همسر	طلاق	مربی، مبلغ مذهبی
۷	نیکی	۳۱	دانشجو	کشاورز	۱۸	۱	اعتیاد همسر	عدم تعهد مرد	آرایشگری، فروشنده
۸	میترا	۶۱	دیپلم	کارمند	۲۱	۴	ناسازگاری	طلاق	فروشنده
۹	سمیه	۴۱	دبیرستان	کارگر	۱۴	۱	اعتیاد همسر	طلاق	کشاورزی، میوه‌چینی، فروشنده
۱۰	سحر	۳۰	دیپلم	کشاورز	۱۸	۲	خیانت همسر	طلاق	خیاطی
۱۱	زهرا	۳۴	دیپلم	کارگر	۲۱	۱	خیانت همسر	طلاق	خیاطی، لوسترسازی
۱۲	افروز	۳۲	دبیرستان	کارمند	۱۵	۱	خیانت همسر	طلاق	آرایشگری، رانندگی
۱۳	طوبی	۵۷	دیپلم	دامدار	۲۲	۲	بیماری روحی همسر	طلاق	خیاطی، کافه‌داری
۱۴	سودابه	۵۸	دبیرستان	ارتشی	۱۵	۶	خیانت همسر	عدم تعهد مرد	خیاطی، آرایشگری
۱۵	خدیجه	۴۴	دبیرستان	خواننده دوره‌گرد	۱۷	۳	فوت همسر (اعتیاد)	بیوگی	کارگری، کشاورزی
۱۶	مریم	۴۱	دیپلم	کارگر	۲۱	۲	تصادف	بیوگی	پرستار خانگی، بسته‌بندی ادویه
۱۷	اعظم	۳۶	دبیرستان	کارگر	۱۷	۱	خیانت همسر	طلاق	فروشنده، کارگری، ویزیتور
۱۸	ملیحه	۴۱	دبیرستان	کارگر	۲۱	۱	فوت همسر	بیوگی	فروشنده
۱۹	آرزو	۳۲	دبیرستان	کارگر	۱۵	۲	تصادف	بیوگی	رانندگی، کارگری
۲۰	مینا	۳۷	دانشجو	راننده	۲۰	۲	اعتیاد همسر	طلاق	آرایشگری
۲۱	مژده	۲۷	دیپلم	بازاری	۲۱	-	ناسازگاری	طلاق	آرایشگری
۲۲	زری	۳۸	دیپلم	کشاورز	۱۸	۲	فوت همسر	بیوگی	آبدارچی مدرسه
۲۳	مولود	۴۳	دیپلم	کشاورز	۱۷	۲	بیماری	ازکارافتادگی مرد	کارگر
۲۴	کیمیا	۳۶	لیسانس	کشاورز	۲۰	۱	خیانت	طلاق	کارگر تولیدی
۲۵	زهرا	۳۳	دیپلم	کارگر	۲۳	-	خیانت	طلاق	پرورش گل و مربی ورزش

^۱ همه نام‌ها برای حفظ محرمانگی، مستعار است.

منشی، تولید رب گوجه، تزریقات	طلاق	اعتیاد	۱	۲۱	باغدار	دیپلم	۳۴	سارا	۲۶
آشپزی	طلاق	خیانت	۲	۲۰	کارمند	دانشجو	۳۰	شمسی	۲۷
خیاطی	طلاق	اعتیاد	۱	۱۸	کشاورز	دیپلم	۳۸	صدف	۲۸
میوه‌چینی	بیوگی	فوت همسر	۳	۱۷	کشاورز	دبیرستان	۳۶	زیور	۲۹
کارگری	زندانی شدن شوهر	عدم تعهد	۲	۲۰	کارگر	دبیرستان	۳۸	مهری	۳۰
میوه‌چینی	بیوگی	فوت همسر	۱	۱۹	کارگر	دبیرستان	۳۶	فائزه	۳۱
کارگری	عدم تعهد مرد	اعتیاد	۲	۲۱	کشاورز	دبیرستان	۴۱	بانو	۳۲
خشک کردن میوه	طلاق	اعتیاد	-	۲۳	بازاری	لیسانس	۳۷	نفس	۳۳

۳-۱. کدگذاری

در مرحله کدگذاری باز مفاهیم، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها شناسایی شدند و نتایج هر مصاحبه با دیگر مصاحبه‌ها مقایسه شد. با مقایسه مفاهیم، خرده‌مقوله‌ها و مقوله‌ها و دسته‌بندی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مقوله‌های نهایی استخراج شدند. در مرحله کدگذاری باز ۳۸۵ مفهوم به دست آمد. سپس با تعمق در کدهای باز ۳۴ زیرمقوله و ۴ مقوله اصلی شناسایی شد. در مرحله بعد، فرایند یکپارچه‌سازی مقوله‌های اصلی انجام شد و به مقوله هسته که «فهم زنان از زنانگی» بود، دست یافتیم. با توجه به عوامل و زمینه‌هایی که در زندگی زنان مشارکت‌کننده تأثیرگذار بود، اولویت‌های پارادایمی پژوهش به دست آمد و عوامل علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای و راهبردها در پارادایم‌ها شناسایی شدند. با توجه به حجم زیاد مفاهیم، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها، نمونه‌ای از کدگذاری که به تولید مقوله‌ها منجر شد، در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نمونه کدگذاری باز و محوری

مفهوم	زیرمقوله	مقوله	نوع مقوله
احساس تبعیض جنسیتی خشونت جسمی شوهر وابستگی زیاد عاطفی به خانواده نارضایتی از شرایط سخت در زندگی مشترک	نابرابری	نداشتن امنیت روانی	شرایط زندگی
	آزار جسمی	ستمگری جنسی	
	عدم استقلال	وابستگی	
	شرایط سخت	انتظارات برآورده نشده	
بی‌پولی ارثیه پدری مهم‌ترین عدم امکان طلاق به دلیل طرز تفکر پدر راحتی و آسایش حق زن است خانه پدری جایگاه امن	تهیدستی	فقر زنان سرپرست	زمینه و بستر
	پشتوانه مالی	احساس امنیت	
	عدم حمایت پدر از دختر به دلیل طلاق	جنسیت به مثابه خطر	
	زن به مثابه فرد لطیف با زندگی راحت	درک از زنانگی	
	بازگشت به خانه پدری	خانواده به مثابه حامی	
عدم تأمین خرج زندگی توسط شوهر تلاش برای روی پای خود ایستادن	شرایط نامناسب زندگی در خانه شوهر	فقر و تنگدستی	شرایط مداخله‌گر
	انواع استقلال	استقلال مالی	
تلاش برای گذران زندگی قناعت‌پیشگی دوری‌گزینی از غریبه‌ها	نان‌آوری	کسب درآمد	راهبردها
	صرفه‌جویی به مثابه روش تدبیر	آینده‌نگری	
	گریز از ارتباط	زن تنها	
مخالفت خانواده با کار بیرون از خانه حمایت خانواده از کار بیرون از خانه سن کم فرزندان	وابستگی به خانواده	نبود سرمایه اقتصادی	پایه‌ها
	اتکا به خود	کسب سرمایه اقتصادی و اجتماعی	
	خانه‌نشینی	اولویت ایفای نقش مادری	

۳-۲. اصول اخلاقی

رعایت مسائل اخلاقی و حفظ شان و احترام مشارکت‌کننده از مهم‌ترین نکات و امانت‌داری و حفظ اسرار مصاحبه‌شوندگان از اصول اولیه کارهای پژوهشی است (Alirezanejad, 2017: 142). مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در فضایی محترمانه برگزار شد و تلاش بر این بود که اصل رازداری در تمام مصاحبه‌ها رعایت شود. مشارکت‌کنندگان از اهداف پژوهش آگاهی داشتند و در بخش تحلیل داده‌ها، امانت‌داری در سرلوحه کار بود.

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفاوت‌های بنیادین در شرایط زنان سرپرست به دلایلی مانند سن، داشتن یا نداشتن فرزند، حمایت یا عدم حمایت خانواده‌ها مربوط است و ایفای نقش زن نان‌آور و کسب درآمد برای گذران زندگی افراد تحت سرپرستی، وجه مشترک همه آنان است. مقوله‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: ۱. ایفای نقش سرپرستی خانوار؛ ۲. تجربه فقر زنان سرپرست؛ ۳. تنهایی زنان در اداره خانوار؛ ۴. کسب درآمد و نان‌آوری.

۴-۱. سرپرستی خانوار

سرپرست خانوار در این پژوهش زنی است که مدتی پس از ازدواج به دلایلی مانند مرگ همسر، جدایی، بیماری یا اعتیاد شوهر، ترک خانواده توسط همسر، زندانی شدن شوهر، علاوه بر نقش‌هایی مانند خانه‌داری و مادری که پیش از این ایفا می‌کرد، سرپرستی خانوار و برآوردن نیازهای مادی و غیرمادی اعضای خانوار، خواسته یا ناخواسته برعهده او قرار می‌گیرد. برمبنای تئوری نقش که نقش‌ها با موقعیت‌های اجتماعی مرتبط هستند (Biddle, 1965: 26)، عجیب نیست که برای این زنان در موقعیت جدید، اولویت اصلی ایفای نقش جدید سرپرستی خانوار است. این زنان به دلایل متعددی در جایگاه سرپرستی قرار می‌گیرند که به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. فوت همسر

ملیحه ۴۱ ساله، کلاس هشتم: «سر زندگیم نرفته بودم... یک ماه و نیم باردار بودم که آقام خودکشی کرد به‌خاطر اعتیاد، و شوهرمو از دست دادم.»

۲. جدایی از همسر

فرحناز ۴۰ ساله، کلاس هشتم: «بعد از فوت پدر و مادرم با سخت‌گیری‌هایی که می‌کرد، تصمیم گرفتم ازش جدا شم. گفتم دیگه مامان ندارم سگته کنه، دیگه بابا ندارم غصه‌مو بخوره، برادر خواهرهام به روی چشمم می‌کشن...»

۳. بیماری و ازکارافتادگی همسر

مولود ۴۰ ساله، دیپلمه: «با پیشرفت بیماری شوهرم شرایط من هم خیلی سخت شد. خیلی عصبی شده بود و بداخلاق. روزی دو سه بار پوشکش رو عوض می‌کردم. هیچ پس‌اندازی هم نداشتیم و با خیاطی زندگی رو پیش می‌بردم.»

۴. اعتیاد و عدم مسئولیت‌پذیری شوهر

بانو ۴۱ ساله، دیپلمه: «یا خونه نبود یا اگر هم بود در حال چرت‌زدن بود. حیاط خونه رو هم به گند کشیده بود. تمام حیاط ما شده بود آشغال‌ها و ضایعاتی که می‌برد می‌فروخت و خرج موادمش می‌کرد.»

۵. ترک زندگی مشترک توسط شوهر

سحر ۳۰ ساله، دیپلمه: «دو ساله تنها زندگی می‌کنم. شوهرم گذاشته رفته، زندگی رو ترک کرده و مسئولیت بچه‌ها با منه، مستأجر هستم.»

۶. زندانی شدن همسر

مهری ۳۸ ساله، کلاس نهم: «زندگی بدی نداشتیم. با هم خوب بودیم، ولی مشکلات مادی زیادی داشت و کم آورده بود. با زندان رفتنش مشکلات زندگی ما از لحاظ مادی ده برابر شد و مجبور بودم برم کار کنم تا شکم بچه‌ها رو سیر کنم.»

۴-۲. فقر زنان سرپرست

نوردروپ معتقد است که فقر بیشتر در خانوارهایی با سرپرستی زنان متمرکز می‌شود (Shalchi & Azimi, 2019: 118). بیشتر زنان سرپرست در این پژوهش به دلیل نداشتن پشتوانه مالی، حمایت ضعیف خانواده و نهادهای دولتی در شرایط سختی هستند و برای تأمین خوردوخوراک و پوشاک و نیازهای اولیه فرزندان خود مشکلات زیادی دارند.

اعظم ۳۶ ساله، کلاس نهم: «پولی نداشتیم. اون قدری تزریقات و آرایشگری بلد بودم و با این کارها زندگی رو می‌گذروندم. کمی پس‌انداز می‌کردم که اگر بچه‌م مریض شد، من حداقل محتاج خانواده‌م نباشم؛ چون می‌دونستم چیزی ندارن به من بدن.»

۴-۳. تنهایی زنان سرپرست در مدیریت زندگی

تأمین نیازهای خانواده به‌تنهایی به‌رغم شرایط روحی نامناسب و فقر و تهیدستی، آنان را مصمم می‌کند که بدون انتظار از دیگران ساعت‌های طولانی کار و بی‌خوابی را تحمل کنند و با توجه به توانایی‌های خود و حداقل فرصت‌ها زندگی را اداره کنند. آرزو، ۳۲ ساله، کلاس نهم: «بعد شوهرم، من بودم و یه دفعه‌ای دو تا بچه. به خودم اومدم دیدم هم مرد زندگی‌ام، هم زن زندگی، هم مادرم، هم پدر.»

۴-۴. کسب درآمد و نان‌آوری

کسب درآمد برای گذران زندگی مهم‌ترین دغدغه زنان سرپرست در این پژوهش است و برای کسب درآمد ناچارند با تلاشی جانکاه هر کاری که بتوانند برای گذران زندگی انجام دهند. آنان ناگزیر برای کسب درآمد در هر نقشی قرار می‌گیرند و حق انتخاب چندانی ندارند.

مریم، ۴۱ ساله، دیپلمه: «چه‌جوری بگم بهتون... از این نظر من هر کاری که بود کردم و می‌کنم و اینکه ناراضی نیستم. نمی‌دونم، خوبه. همه کار کردم. خونه یه خانم پرستاری رفتم، بیمارستان رفتم، کارهای ادویه این‌ها تو خونه انجام دادم تا حالا که گذشته.» مقوله نان‌آوری مسئله بسیار مهمی است، از این‌رو در این‌باره بحث می‌شود.

۴-۵. انواع فعالیت‌های زنان برای کسب درآمد و نان‌آوری

فعالیت‌های زنان سرپرست در زمینه نان‌آوری و کسب درآمد را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. فعالیت‌های اقتصادی داخل خانه

۲. فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه

جدول ۳. فعالیت‌های اقتصادی زنان سرپرست

۱	فعالیت‌های اقتصادی داخل خانه	آشپزی و سفارش غذا، پخت نان، کیک، انواع خورش، سبزیجات، مرباجات، ترشیجات و انواع رب
۲	فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه	آرایشگری، خیاطی، فروشندگی، رانندگی، کار در مزارع و باغات، سورتینگ، منشی‌گری، پرستاری و نگهداری از بیماران و سالمندان، خدمات نظافتی

۴-۶. فعالیت‌های اقتصادی خانگی

فعالیت‌های خانگی زنان سرپرست برای کسب درآمد و گذران زندگی شامل کارهایی مانند بسته‌بندی ادویه‌جات، گلیم‌بافی، پخت مرباجات، آماده‌سازی شیرینی‌جات، پخت نان‌های محلی، بسته‌بندی انواع سبزی‌های خورشی، پذیرش سفارش غذا برای مهمانی‌ها و آماده‌کردن انواع غذاها، سرکه و رب است.

سودابه ۵۸ ساله، کلاس هفتم: «من الان تو خونه کار می‌کنم. رب انار می‌پزم، پیازداغ درست می‌کنم، سبزی درست می‌کنم، آشپزی می‌کنم و کیک می‌پزم.»

جدول ۴. فعالیت‌های خانگی زنان سرپرست

۱. پخت مرباجات مانند مربای تمشک، مربای انجیر، مربای هویج، مربای بالنگ، مربای سیب، مربای به، مربای آلبالو و مربای شاتوت
۲. تهیه ترشی‌جات مانند ترشی سیر، ترشی لیمو، ترشی بادمجان، ترشی هویج، ترشی گل‌کلم و سیب‌زمینی ترشی
۳. بسته‌بندی انواع سبزی‌های خورشی مانند سبزی قورمه، سبزی آش، سبزی پلویی و سبزی‌های معطر برای ماست
۴. بسته‌بندی ادویه‌جات
۵. آرایشگری در خانه
۶. خیاطی در خانه
۷. تهیه و پخت شیرینی‌جات
۸. پذیرش سفارش غذا برای مهمانی‌ها و آماده کردن انواع غذاها مانند خورش آلو، خورش بادمجان، خورش فسنجان، خورش کرفس، خورش قیمه، کشک‌وبادمجان و پیازداغ
۹. پخت نان‌های محلی
۱۰. آماده کردن انواع سرکه مانند سرکه انگور، سیب و سرکه انجیر
۱۱. تهیه انواع رب مانند رب انار ترش و شیرین، رب ازگیل، رب خرما و رب گوجه‌فرنگی
۱۲. گلیم‌بافی

۴-۷. فعالیت اقتصادی خارج از خانه

فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه شامل موارد زیر است:

۱. کارهای خدماتی که مربوط به نظافت و تمیزی خانه و مجتمع‌ها است؛
۲. کار در مزارع، باغ‌ها، پنبه‌زارها و شالیزارها که فصلی است؛
۳. کار در فروشگاه‌های مختلف مانند، کفش، پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی و...؛
۴. خیاطی و آرایشگری و اشتغال در کارگاه‌های تولیدی؛
۵. مراقبت و پرستاری از بیماران در منازل آن‌ها؛
۶. اشتغال در هتل‌ها و رستوران‌ها و انجام امور خدماتی؛
۷. فعالیت‌های خوداشتغالی با استفاده از وام‌های کمیته امداد.

برخی از زنان سرپرست خانوار که هیچ مهارتی ندارند، با کارگری در خانه بستگان، آشنایان، دوستان و همسایه‌ها، ساختمان‌های مسکونی و تجاری به نظافت و تمیزی خانه‌ها و مجتمع‌ها مشغول می‌شوند.

بانو ۴۱ ساله، دیپلمه: «شوهرم اعتیاد داشت و اصلاً به فکر زندگی و خرج و مخارج نبود. من هم کاری بلد نبودم که بتونم خرج بچه‌ها رو در بیارم. مجبور بودم برم خونه فامیل کار کنم. کارهای نظافتی می‌کردم، خیلی برام سخت بود و غرورم شکسته می‌شد، ولی برای کسب درآمد و تأمین نیازهای بچه‌ها چاره‌ای نداشتم.»

برخی از زنان سرپرست خانوار در فصل کاشت و برداشت پنبه، برنج، گندم، جو و... به کار در مزارع مشغول می‌شوند یا در فصل پاییز که هنگام برداشت محصول باغ‌ها است با چیدن میوه‌هایی مانند پرتقال، نارنگی، انار و... به کسب درآمد می‌پردازند. زیور ۳۶ ساله، کلاس نهم: «تابستون‌ها می‌رفتم گندم‌زار و شالیزار کار می‌کردم. پاییز هم می‌رفتم میوه‌چینی و زندگی خودم و بچه‌ها رو می‌گذروندم.»

عده‌ای از زنان سرپرست، به فروشنده‌گی در فروشگاه‌های پوشاک، لوازم آرایشی-بهداشتی، کیف و کفش و لوازم خیاطی به کار مشغول می‌شوند.

مه‌ری ۳۸ ساله، کلاس نهم: «شوهرم که رفت زندان، هیچ پشتوانه‌ای نداشتم. با معرفی یکی از دوستانم رفتم فروشگاه لوازم آرایشی و فروشنده‌گی می‌کردم. حقوقش خوب نبود، ولی کار دیگه‌ای نمی‌تونستم بکنم.»

برخی از زنان که در خیاطی و آرایشگری مهارت دارند، در کارگاه‌های مرتبط با این دو مهارت یا در کارگاه‌های تولیدی اشتغال دارند.

افروز ۳۲ ساله، کلاس هشتم: «هم سرویس مدرسه کار می‌کردم و هم آرایشگری می‌کردم. صبح‌ها سرویس بچه‌های مدرسه کار می‌کردم، بعد از ظهرها آرایشگاه می‌رفتم. خوشحال بودم از اینکه مستقلم و زندگی خودم و پسرم تأمین می‌شد.»

بعضی از زنان سرپرست با گذراندن دوره‌های اولیه آموزش پرستاری و مراقبت از بیماران مانند تزریقات، پانسمان و... به پرستاری و مراقبت از بیماران و سالمندان در خانه‌های آنان می‌پردازند.

مریم ۴۱ ساله، دیپلمه: «دستم خالی بود. مجبور شدم برم بیمارستان امام. بیمارهایی که کرونا داشتن و همراه می‌خواستن، من می‌رفتم. مامانم این‌ها می‌گفتن نرو، مریض می‌شی، می‌میری. می‌گفتم اشکال نداره. واقعاً مجبور بودم. البته همه نکات بهداشتی رو رعایت می‌کردم. دو تا دستکش و دو تا ماسک، خرج بچه‌هامو درمی‌آوردم.»

اشتغال در هتل‌ها و رستوران‌ها، شستشوی ظروف، تمیز کردن و نظافت اتاق‌ها، چیدمان میزها، پذیرایی از مهمانان و... از کارهای دیگری است که عده‌ای از زنان به آن مشغول می‌شوند.

اعظم ۳۶ ساله، کلاس نهم: «مامانم گفت چرا این قدر دیر کردی، گفتم مامانم این حرف‌ها رو ولش کن. اگر من آرایشگاه یک ماه کار کردم ... هزار تومن، اینجا (هتل) چون ناهار و شام بود و دو شیفت کاری می‌شد، نگاه کن ... هزار تومن گرفتم. این قدر خوشحال بودم، اون شب خوابم نمی‌برد. از اون روز به بعد منتظر بودم زنگ بزنه برم سرکار... می‌تونستم زندگیمو بچرخونم.»

عده‌ای از زنان سرپرست با تلاش خود و دریافت وام از کمیته امداد، به‌طورهای اقتصادی در شغل‌هایی که به آن علاقه دارند، مانند آرایشگری، تولیدی خیاطی، رانندگی، فروشگاه‌های لوازم آرایشی، بهداشتی، لوازم آشپزخانه، کفش، کافه و سوپرمارکت مشغول می‌شوند.

فرحناز ۴۴ ساله، کلاس هشتم: «از ۷ صبح می‌رفتم مغازه تا ۱۲ شب. هر کاری می‌کردم، سایز ۴۸ رو ۴۰ می‌کردم، با فروشگاه‌ها قرارداد می‌بستم، لباس‌های ایراددار رو درست می‌کردم، درآمد هم خوب بود. هم خیاطی می‌کردم و هم کارهای تعمیری.»

۴-۸. پارادایم‌ها

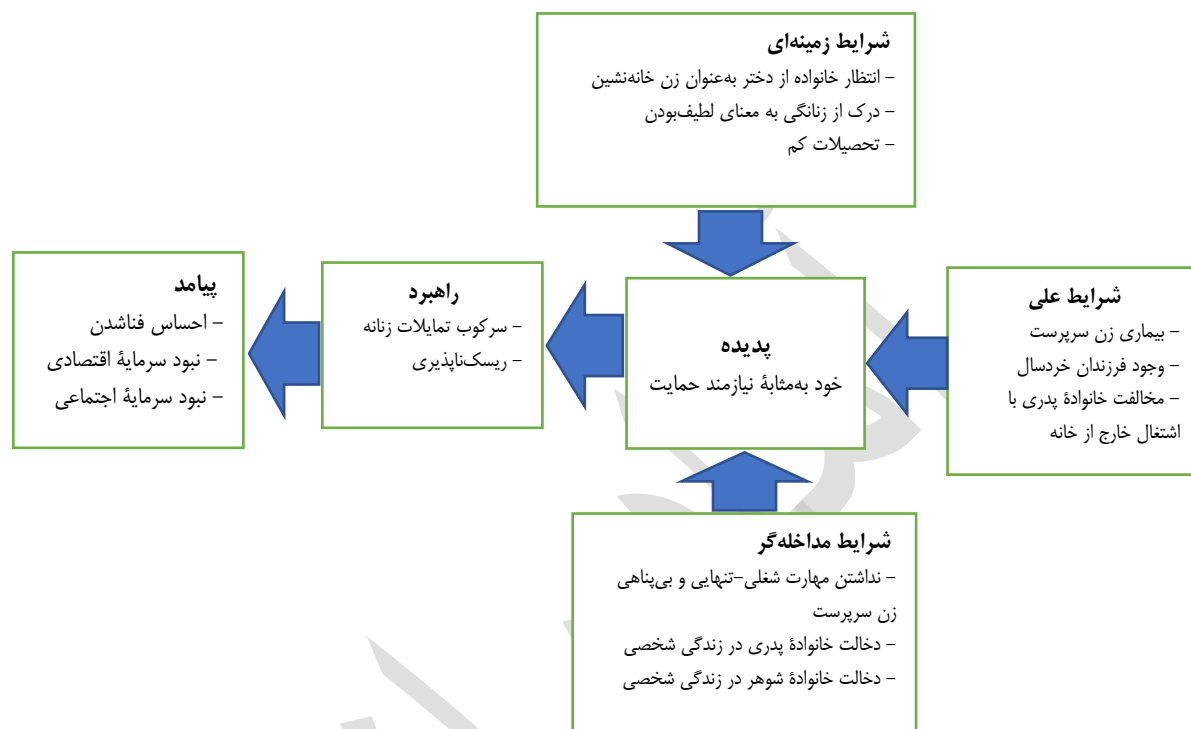
در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله هسته «فهم زنان از خود به‌مثابه با دسته‌بندی مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، دو الگوی پارادایمی برای فعالیت‌های اقتصادی زنان سرپرست به‌دست آمد. عوامل متفاوتی زمینه‌ساز بروز این پدیده‌ها است که در بررسی هر کدام به شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و مداخله‌گر و نیز راهبرد و راهبردها اشاره می‌شود.

۴-۸-۱. پارادایم اول: خود به‌مثابه نیازمند حمایت

زنانی که در این الگو قرار می‌گیرند، شرایط مادی خوبی ندارند و از اعتمادبه‌نفسی مانند بیماری، زنان را در شرایط سخت ناتوانی قرار می‌دهد. داشتن فرزند خردسال فرصت کارکردن را از مادر می‌گیرد و مخالفت خانواده پدری به اشتغال خارج از خانه عامل دیگری است که موجب وابستگی به خانواده و حمایت‌طلبی زنان می‌شود.

درک از زنانگی به معنای لطیف‌بودن، عامل زمینه‌ای مهمی است که مانع تلاش زنان برای کسب درآمد می‌شود. انتظار خانواده از دختر به مفهوم زن خانه‌نشین و نیز تحصیلات کم، از عوامل دیگر در این الگو هستند. عوامل مداخله‌گر تنهایی و بی‌پناهی، زنان را در شرایط سخت روحی قرار می‌دهد و با توجه به نداشتن مهارت شغلی، در کسب درآمد و نان‌آوری با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. دخالت خانواده در زندگی شخصی عامل دیگری در این الگو است. تنهایی زنان در اداره خانواده موجب می‌شود آنان اعتمادبه‌نفس‌آوردن زندگی نداشته باشند و راهبرد آنان در این الگو، ریسک‌ناپذیری و سرکوب تمایلات زنانه است. به عبارت دیگر از یک سو ریسک حضور در عرصه‌های جدید بیرون از خانه را نمی‌پذیرند و از سوی دیگر با سرکوب تمایلات زنانه و بدون حضور

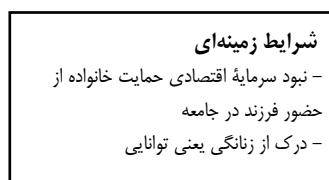
مرد در زندگی خود، با حداقل امکانات ادامه حیات می‌دهند. پیامد حمایت‌طلبی زنان، احساس فناشدن و نبود سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است؛ زیرا راهی برای کسب درآمد ندارند و ارتباط خود را با افراد و سازمان‌های بیرون از خانه به حداقل می‌رسانند

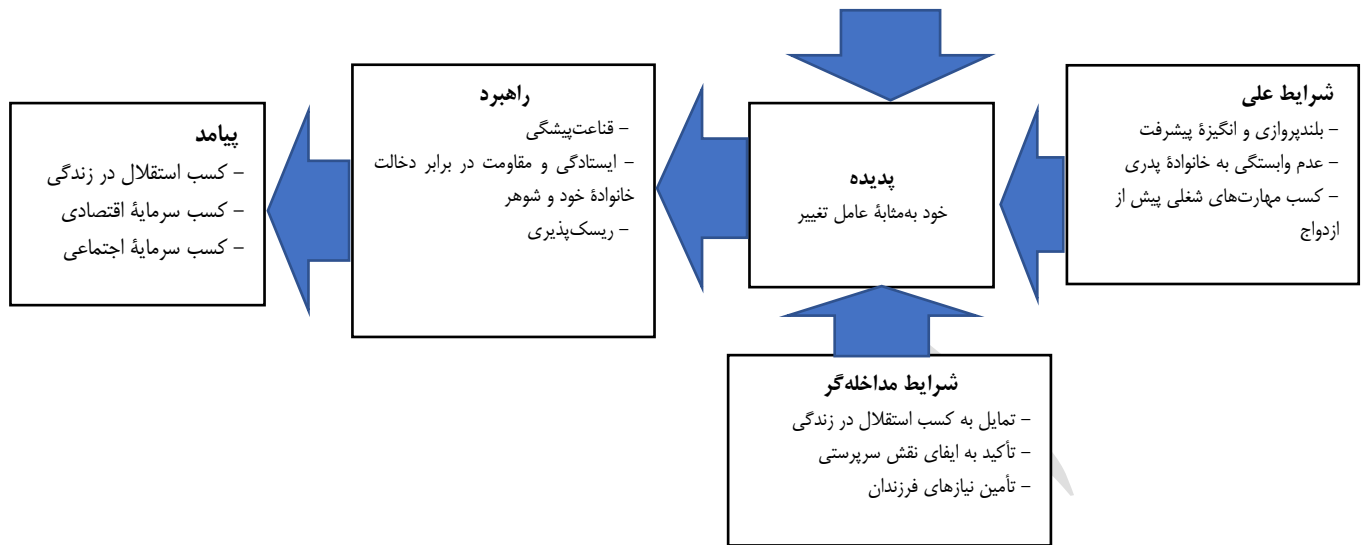


شکل ۱. پارادایم اول: خود به‌مثابه نیازمند حمایت

۴-۸-۲. پارادایم دوم: خود به‌مثابه عامل تغییر

در این الگوی پارادایمی، زنان سرپرست موفق می‌شوند شرایط زندگی خود را تغییر دهند و با سخت‌کوشی اهداف خود را برای ساختن زندگی جدید دنبال می‌کنند. آنان در موقعیت جدید به خودباوری و ثبات رسیده‌اند. نداشتن وابستگی به خانواده پدری، مهارت شغلی پیش از ازدواج، بلندپروازی و انگیزه پیشرفت، از عوامل علی این پارادایم هستند. عوامل زمینه‌ای که موجب شکل‌گیری زنی موفق به تغییر در زندگی می‌شود، درک از زنانگی به معنای فرد توانا، حمایت خانواده از حضور زن در جامعه و سرمایه اقتصادی است. آنان مصمم به تغییرات جدی در سبک زندگی خود هستند، به خود و توانایی‌های خود اتکا می‌کنند و باور دارند که می‌توانند زندگی خود را تغییر دهند. تمایل شدید به کسب استقلال، تأکید به ایفای نقش سرپرستی و تأمین نیازهای فرزندان از عوامل مداخله‌گر این پارادایم هستند. ریسک‌پذیری، قناعت، ایستادگی و مقاومت در برابر دخالت خانواده‌ها از راهبردهای آنان برای موفقیت در نقش نان‌آور است. کسب استقلال در زندگی، کسب سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی، پیامد و دستاورد زنان سرپرست خانوار در این پارادایم است. گسترش روابط خارج از خانه و خانواده از مهم‌ترین‌های می‌شود (شکل ۲).





شکل ۲. پارادایم دوم: خود به‌مثابه عامل تغییر

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی فهم تجربه نان‌آوری زنان سرپرست خانوار است و برای نیل به این هدف، از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. زنان سرپرست خانوار در شرایط فقر در تکاپوی تأمین مایحتاج خانواده خود هستند و این شرایط، آنان را ناگزیر از بازاندیشی درباره خود به‌عنوان زن می‌کند. فهم تجربه این زنان از خود، تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی است. خانواده نخستین به‌عنوان حامیان یا مخالفان نقش‌آفرینی زنان در خارج از خانه، در عملکرد این زنان تأثیر گذارند. در دوران سرپرستی عواملی مانند استقلال‌طلبی، اتکا به خود و حمایت عاطفی خانواده به‌ویژه پدر از مسائل بسیار مهم در مواجهه زنان با مشکلات این دوران است. این زنان در دو پارادایم «خود به‌مثابه نیازمند حمایت» و «خود به‌مثابه عامل تغییر» قرار می‌گیرند. عامل توانایی تغییر در زندگی و موفقیت در اهدافشان است. در نقطه مقابل، وابستگی به خانواده، نداشتن اعتمادبه‌نفس سرپرست در جامعه از عوامل مهم شکل‌گیری پارادایم اول است. زنانی که در این الگو قرار می‌گیرند، توانایی تغییر در زندگی را بدون حمایت دیگران ندارند، در جمع‌ها کمتر حضور دارند و اولویت آن‌ها ایفای نقش‌های سنتی مادری است. ایجاد تغییر در زندگی زنانی که تمایل به استقلال دارند، منطبق با نظریه توانمندسازی سارا لانگه است. او معتقد است توانمندی زنان یعنی به آنان بضاعت و قدرت دفع فشارها و تبعیض‌های بیرونی داده شود تا آن‌ها بتوانند حقوق از دست‌رفته خود را بازیابند و وضعیت اجتماعی خود را ارتقا دهند. عاملیت آنان نقش مهمی در این پیشرفت دارد و از فرصت‌های به‌وجودآمده استفاده می‌کنند. این عاملیت و فرصت در انطباق همسو است با نظریه توانمندسازی آلسوپ و هینسون که توانمندسازی را افزایش توانایی گروه یا فرد برای رسیدن به اهداف می‌دانند و معتقدند این فرایند تحت تأثیر دو عامل عاملیت و ساختار فرصت‌ها ایجاد می‌شود. عاملیت به معنای توانایی کنشگر برای انتخابی معنادار از میان گزینه‌های گوناگون است و فرصت عبارت از زمینه و بستر رسمی و غیررسمی است که کنشگر در آن دست به کنش می‌زند.

نتایج پژوهش کرمانی، خراسانی، بهروانی و نوعانی (۱۳۹۲) درباره توانمندی اقتصادی زنان سرپرست که ناظر بر انگیزه پیشرفت، خودمختاری، برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی است، با یافته‌های این پژوهش شباهت دارد. همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های کلدی و سلحشوری (۱۳۹۱) که حمایت اجتماعی را بر توانمندسازی اقتصادی، روان‌شناختی و توانمندسازی جسمی زنان مؤثر می‌دانند و یافته‌های سلیمانی و راغفر (۱۳۹۵) که معتقدند ارائه وام‌های کم‌بهره، مهارت‌آموزی، مشارکت زنان در طرح‌های خوداشتغالی در فقرزدایی زنان مؤثر است، با نتایج این پژوهش درباره زنان سرپرست خانواری که خود را عامل تغییر می‌دانند، شباهت دارد.

فقر و تنگدستی، بیماری‌های جسمی، وابستگی زیاد به خانواده نخستین، وجود فرزندان خردسال، نداشتن پشتوانه مالی، درک از زنانگی به مفهوم لطیف بودن، خانه‌دار بودن، مورد توجه بودن و نداشتن مهارت و تخصص در رشته‌ای خاص سبب می‌شود زنان در پارادایم اول توانایی لازم برای کسب استقلال مادی و غیرمادی نداشته باشند و خود را نیازمند حمایت خانواده‌ها و نهادهای دولتی مانند کمیته امداد بدانند. این یافته با نتایج پژوهش گودرزی (۱۳۹۹) که نشان می‌دهد ۸۵/۵ درصد زنان سرپرست خانوار هیچ تمایلی به کسب آموزش و مهارت ندارند، انطباق دارد. همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیق حسینی (۲۰۰۹) که معتقد است ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی رایج در جامعه به‌ویژه در خانواده‌های سنت‌گرا، مانع اشتغال آزاد آنان می‌شود، شباهت دارد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش تسفاماریام (۲۰۰۷) که این زنان در یافتن شغل در شرایط نامساعدی قرار دارند، شبیه است. این زنان بدون کمک نهادهای رسمی و غیررسمی قادر به یافتن شغل و سرپرستی خانواده خود نیستند.

با توجه به موضوع پژوهش، جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان تلاش‌ها وجود ندارد، اما این یافته‌ها فرصتی برای آزمون نتایج پژوهش فراهم کرده است. محتمل است که در اجتماعات دیگر و در شرایط مشابه، رفتارهای متفاوتی مشاهده شود.

با توجه به اینکه تعداد زیادی از زنان سرپرست خانوار فرزند دارند، پیشنهاد می‌شود درباره شرایط فرزندان آنان نیز کارهای پژوهشی انجام شود. در حوزه سیاست‌گذاری نیز پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. حمایت مالی سازمان‌های مرتبط از زنان سرپرست خانوار در پارادایم اول؛
۲. آموزش مهارت‌های حرفه‌ای به زنان سرپرست خانوار در پارادایم دوم برای رسیدن به خودکفایی اقتصادی؛
۳. اعطای وام اشتغال به زنان سرپرست خانوار در پارادایم دوم.

۶. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Ahmadnia, Sh. (2017). *Review of the Gender, Society and Sociology book*. Social science Quarterly Book Review, 13, 31-42. (In Persian)
- Akbari Torkamani, N., Ghasemi, V., & Aqababae, E. (2018). Empowering female-headed households in district 5 of Isfahan with emphasis on occupation factor. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 16(3), 7-36. <https://www.doi.org/10.22051/jwsps.2019.19887.1704> (In Persian)
- Alirezanejad, S. (2017). *Ethical Principles in Social Research*. Garmsar: Islamic Azad University Publications. (In Persian)
- Arabkhani, A., Seyed Mirzaei, S. M., & Kaldi, A. R. (2019). Developing a Conceptual Model Using Fundamental Theory in Empowering Rural Women: (Case Study on Eshgabad county of Neishaboor City). *Khorasan Socio-Cultural Studies*, 13(3), 89-116. <https://doi.org/10.22034/fakh.2019.197529.1351> (In Persian)
- Azkiya, M., & Imani Jajrami, H. (2011). *Applied Research Methods; Application of Grounded Theory*. Tehran: Kayhan Publications. (In Persian)
- Biddle B. J. (1965). *Role Theory Expectations, Identities, and Behaviors*, Academic Press, New York San Francisco London Subsidiary of Harcourt Brace Jovanovich, Publisher.
- Boolouri, M., & Alirezanejad, S. (2021). Redefining Identity for Women Who Lost Their Spouses: Research in districts of Afsariyeh and Abbasabad Tehran. *Woman in Development & Politics*, 19(1), 141-166. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.314004.1007917> (In Persian)
- Doust Mohammadi, A. (2008). Social Role and Social Capital Theory. *Journal of Social Science Education Growth*, 41, 35-28. (In Persian)

- Fotros, M. H., & Ghodsi, S. G. (2018). Comparing Multidimensional Poverty of Female and Men Headed Households in Urban and Rural areas in Iran by Alkire-Foster Method. *refahj*, 18(69), 227-185. <http://dx.doi.org/10.29252/refahj.18.69.227> (In Persian)
- Ghorbani, F., Mohseni, R. A., & Ansari H. (2019). A Meta-Analysis of the Needs and Priorities of Life for Women-Headed Households with a Sociological Approach. *Refahj*, 19(72), 55-90. <http://dx.doi.org/10.29252/refahj.19.72.55> (In Persian)
- Goodarzi, S. (2019). Sociological explanation of acquiring professional skills and its impact on the employment of women heads of households. *Journal of Work and Society*, 201, 54-64. (In Persian)
- Hashemi, M. S. (2018). *Investigating the barriers to rehabilitation of women heads of households covered by welfare in Karaj*. Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
- Hussain, I. (2009). *Problems of working women in Karachi, Pakistan*. Cambridge Scholars Publishing.
- Jaliliyan, S., & Saadi, H. (2016). The role of rural women's home business and empowerment on family economic decision-making (Case study: Islam-Abad Gharb County). *Regional planning*, 6(21), 129-142. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.21.10.8> (In Persian)
- Kaldi, A., & Salahshouri, P. (2012). The investigation of social support's effect on women empowerment. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 4(4), 7-22. (In Persian)
- Kermani, M., Mazloun Khorasani, M., Behravan, H., & Noghani, M. (2012). Empowering Female-Headed Households Case: Women Working in Kosar Centers Affiliated to Tehran Municipality in 2012. *Iranian Journal of Sociology*, 14(3), 116-148. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1392.14.3.5.9> (In Persian)
- Keshavarz Shekari, A., & Azarkeshb, A. (2017). Criticism and restructuration of Sara Longwe's Theory on the indices of women breadwinners' empowerment. *Journal of Islam and Social Sciences*, 8(16), 5-35. <https://doi.org/10.30471/soci.2017.1319> (In Persian)
- Liu, C., Esteve, A., & Treviño, R. (2017). *Female-headed households and living conditions in Latin America*. *World Development*, 90, 311-328.
- Mohamadpour, A., & Alizadeh, M. (2011). Women and the culture of poverty: A qualitative study of the family-leading women supported by Sari Welfare Organization. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 8(1), 165-197. <https://doi.org/10.22067/jss.v0i0.18993> (In Persian)
- Momenizadeh, N. (2014). Comparative Analysis of Female Heads of Households. *Journal of Economics*, 3, 120-95. (In Persian)
- Mousavi, M. H., & Azaribani, B. (2017). Measuring Intergenerational Poverty Trap among Generation Age of Woman Headed Households. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 7(27), 135-154 <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1395.7.27.7.5> (In Persian)
- Nega, F., Mathijs, E., Deckers, J., & Tollens, E. (2009). *Gender, social capital and empowerment in northern Ethiopia*.
- Rabiei, M. (2017). *Multiple Roles in women Heads of Households*, Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Raghfar, H., & Soleimani, M. (2016). Explaining the relationship between economic, cultural and educational factors and poverty alleviation of women (Case study: Divorced women and widows of Aleshtar city). *Woman in Development & Politics*, 14(1), 51-68. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.58661>. (In Persian)
- Safiri, Kh., & Imanian, S. (2009). *Sociology of Gender*. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)

- Savadian, P. (2012). *Generation gap in expecting roles from girls (Case of Study: High School Girls of Garmsar City and Their Mothers)*. Doctoral dissertation: Tehran. Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
- Sazagara, P. (1998). *A Look at Sociology with an Emphasis on Culture*, Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Shalchi, S., & Azimi, M. (2019). The feminization of poverty in Iran in the last three decades. *Women Studies*, <https://doi.org/10.30465/ws.2019.4363>. (In Persian)
- Shiyani, M., & Zare, H. (2020). A meta-analysis of female-headed household studies in Iran. *Sociological Review*, 26(2), 67-97. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.75859>. (In Persian)
- Tesfamariam, T. W. (2007). *Livelihoods and Coping Strategies: A Study of Female-Headed Households in Mekelle, Ethiopia*. Erasmus University Rotterdam.
- Wienclaw, R. A. (2016). *Gender Roles & Equality*. The Editors of Salem Press Salem Press, p. 119.